

واکاوی آموزه‌های اهل بیت (علیهم‌السلام) در زمینه راهکارهای تربیت اخلاقی فرزندان

علی نقی فقیهی،* حسن نجفی،** رضا جعفری‌هرندی***

چکیده

تربیت اخلاقی فرایند زمینه‌سازی و به‌کارگیری شیوه‌هایی برای شکوفایی و ایجاد فضائل یا اصلاح و ازبین‌بردن رذائل در تمام زمینه‌ها (ملکات نفسانی، رفتار و آداب اخلاقی) است. هدف پژوهش حاضر واکاوی آموزه‌های اهل بیت (علیهم‌السلام) در زمینه راهکارهای تربیت اخلاقی فرزندان است. روش پژوهش توصیفی تحلیلی بوده و برای گردآوری داده‌ها، متون حدیثی مرتبط با موضوع پژوهش با استفاده از فرم‌های فیش‌برداری از منابع گردآوری و با

* - دانشیار گروه علوم تربیتی دانشگاه قم.

an-faghihi@qom.ac.ir

** - دانش‌آموخته کارشناسی ارشد مطالعات برنامه درسی دانشگاه شاهد تهران.

hnajafih@yahoo.com

*** - استادیار گروه علوم تربیتی دانشگاه قم.

rjafarih@yahoo.com

تاریخ تأیید: ۱۳۹۴/۰۲/۱۸

تاریخ دریافت: ۱۳۹۳/۱۱/۳۰

شیوه کیفی تحلیل شده است. نتایج پژوهش بیانگر آن است که اساسی‌ترین مسئله در سعادت و پیشرفت انسان، فراگیری راهکارهای تربیت اخلاقی است که مبتنی بر اصول تربیت اخلاقی و هماهنگی با اهداف عالی آفرینش باشد. این راهکارها را می‌توان در چهار دسته زمینه‌ای، معرفتی، انگیزشی و هدایتی تبیین کرد.

واژه‌های کلیدی

آموزه‌های اهل بیت علیهم‌السلام، تربیت اخلاقی، راهکارها، فنون تربیتی.

مقدمه

انسان مطلوب دارای خصوصیات و ویژگی‌هایی است که مبانی نظری آن در قرآن کریم و نمود عملی آن، تنها در وجود مقدس پیامبر اعظم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم و اهل بیت علیهم‌السلام تبلور یافته است. (رهنما، ۱۳۸۴: ۱۷) از مهم‌ترین ابزارهای پرورش انسان مطلوب، می‌توان به تربیت اخلاقی اشاره کرد. فرایند برانگیختن، فراهم ساختن و به‌کار بستن سازوکارهای آموزشی و پرورشی برای دریافت گزاره‌های اخلاقی و شناختن و شناساندن فضائل و رذائل و زمینه‌سازی برای ایجاد نگرش و روی آوردن به اخلاق حسنه، تربیت اخلاقی نامیده می‌شود. براین اساس، دانش تعلیم و تربیت از داده‌ها و یافته‌های اخلاق بهره می‌گیرد و با سازوکارهای خود، نگرش و رفتار اخلاقی را در افراد ایجاد می‌کند و آدمی را از خودمحوری‌رهایی بخشیده و به او رنگ خدایی می‌دهد. (رضادادنام، ۱۳۹۰: ۴۶) به عبارت دیگر، سازندگی درونی و اصلاح و تهذیب نفس انسان، در سعادت فردی، اجتماعی، دنیوی و اخروی (داودی،

۱۳۸۵: ۱۵۴)، نقش بسزایی دارد، به‌طوری‌که اگر انسان همه علوم را تحصیل کند و همه نیروهای طبیعت را به تسخیر خویش درآورد، اما از تزئین به اخلاق و تسلط بر نفس خود ناتوان باشد، از رسیدن به سعادت و کمال بازمی‌ماند. تمامی پیشرفت‌های علمی و صنعتی، در صورتی‌که با اصلاح درون انسان همراه نباشد، به کاخ‌های سربه‌فلک‌کشیده‌ای می‌مانند که بر فراز قله آتشفشان بنا شده باشند. از این‌رو، تربیت اخلاقی انسان و «برنامه انسان‌سازی» برای هر جامعه‌ای حیاتی است. (سادات، ۱۳۸۴: ۱)

اخلاق و تربیت اخلاقی از سه جنبه برای فرزندان لازم و ضروری است: آرامش روانی فردی، آرامش اجتماعی و رسیدن به کمال مطلوب الهی. از جنبه فردی و آرامش روانی، ضرورت تربیت اخلاقی از آن‌روست که روح را سالم می‌سازد و بهترین شیوه زندگی را به فرزند تعلیم می‌دهد. اخلاق، رذیلت‌ها را معرفی می‌کند و راه پرهیز از آن‌ها را نشان می‌دهد. همچنین فضائل را می‌شناساند و راه به‌دست‌آوردن آن را معین می‌کند. در این سطح، بهداشت روانی فردی فرزند رعایت می‌شود و وی نوعی احساس آرامش می‌کند.

جنبه دیگر اخلاق، بُعد اجتماعی آن است؛ یعنی اینکه اگر فرزند به قواعد و احکام اخلاقی پایبند باشد، نه تنها خودش احساس آرامش می‌کند، بلکه اجتماع هم از کردارها و رفتارهای پسندیده او احساس آرامش می‌کند. پس اخلاق نیکو، مناسبات اجتماعی را بهبود می‌بخشد و فضای جامعه را باطراوت می‌سازد.

جنبه دیگر ضرورت تربیت اخلاقی، پرورش استعدادها و شکوفاشدن آن‌ها برای رسیدن به کمالات نهایی است؛ یعنی فرد مسلمان، با اخلاص و

عمل صالح، فقط به این انگیزه که خداوند متعال را خشنود سازد، کارهای اخلاقی را انجام می‌دهد. استمرار این نوع از کار اخلاقی، به فرزند، کمالات گران‌قدری هدیه می‌دهد. برای فرزند مؤمن، چه لذتی برتر از خشنودی خدا و لقاء و دیدار اوست. اساساً انسان برای همین هدف، آفریده شده است تا با آگاهی و عمل صالح و استمرار در کردارهای اخلاقی به خدا برسد.

از جنبه دیگر، تربیت اخلاقی از آنجا ضرورت می‌یابد که معمولاً میان خواسته‌ها و امیال متعدد مادی فرزند و نیازهای اخلاقی و معنوی او تعارض صورت می‌گیرد؛ لذا وی در میان این تعارض‌ها مجبور به «انتخاب» می‌شود (چون موجودی مختار است)؛ بنابراین تربیت اخلاقی فرزند، امری ضروری می‌نماید تا در این انتخاب، آنچه به نفع سعادت و رستگاری واقعی و الهی اوست، برگزیند.

اگر تربیت اخلاقی فرزند جدی گرفته نشود، در کشاکش دائمی میان ارزش‌های اخلاقی و تمایلات حیوانی (که مربوط به جنبه‌های پست وجود انسان است)، غالباً تمایلات حیوانی بر جنبه‌های اخلاقی می‌چربد و آن‌ها را از میدان خارج می‌سازد و همین از میدان‌به‌دردن، سقوط به جهنم و عذاب ابدی را در پی خواهد داشت.

ضرورت اخلاق و تربیت اخلاقی را از این زاویه هم می‌توان بررسی کرد که نتایج و دستاوردهای همه علوم، اینک در اختیار انسان است. حال اگر انسان از تربیت اخلاقی، روحی و معنوی برخوردار نباشد، از این دستاوردهای علوم نیز نمی‌تواند در جهت سعادت حقیقی و کمال واقعی خود بهره‌مند شود. علم، چراغی است که اگر در دست انسان نااهل باشد، زندگی مردم را به تاراج می‌برد و همه را به هلاکت می‌رساند. (رهنما، ۱۳۸۸: ۳۴)

امام موسی کاظم علیه السلام می فرمایند:

الْزُّمُ الْعِلْمُ لَكَ مَا دَلَّكَ عَلَى صَلَاحِ قَلْبِكَ وَ أَظْهَرَ لَكَ فُسَادَهُ؛ لازم ترین علم آن است که تو را به پاک سازی دل (و تهذیب باطن) رهبری کند و تباهی و فساد دل را بر تو آشکار سازد. (مجلسی، ۱۴۰۳: ۷۸، ۳۳۳)

براساس بینش اسلامی، هر انسانی با فطرت الهی و گرایش به اخلاق نیکو متولد می شود. ساختار وجودی انسان، او را به سوی خداجویی، حقیقت شناسی، ارزش و کمال خواهی هدایت می کند. پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند:

كُلُّ مَوْلُودٍ يُوَلَّدُ عَلَى الْفِطْرَةِ؛ هر نوزادی با فطرت خداجویی زاده می شود، مگر اینکه عوامل محیطی مانند پدر و مادر او را منحرف سازند. (کلینی، ۱۴۰۷: ۲، ۱۳)

پرورش بُعد اخلاقی، به خصوص اینکه باید از چه راهکارهایی استفاده کرد، در نظام تربیت اسلامی اهمیت زیادی دارد. در نظام تربیتی اسلام، آدمی دارای توانمندی های اخلاقی است که برای رسیدن به سعادت دنیوی و اخروی باید در فرایند تربیت و با راهکارهایی کارآمد، پرورش یابد؛ راهکارهایی که از اصول برگرفته از ویژگی های فطری آدمی، به دست آمده است و رسول اکرم صلی الله علیه و آله و ائمه علیهم السلام در انجام رسالت تربیتی خویش به تبیین آن ها پرداخته اند.

باتوجه به مطالب مذکور، مسئله پژوهش در این مقاله آن است که از دیدگاه اهل بیت علیهم السلام چه راهکارهایی در زمینه تربیت اخلاقی فرزندان کارآمد شمرده شده است، راهکارهایی که والدین باید آن ها را به کار گیرند؟

پیشینه پژوهش

پورآذر (۱۳۹۳) در مطالعه خود، «محبت‌ورزی در همزیستی اخلاقی از منظر قرآن» به این نکته اشاره می‌کند که مهم‌ترین عامل در تربیت اخلاقی و استقرار ارزش، محبت است؛ زیرا محبت میان افراد جامعه اُفتی طبیعی ایجاد می‌کند و جامعه را مانند پیکر واحدی قرار می‌دهد. مقصود از محبت، محبتی است که از رذائل اجتماعی می‌کاهد و بر فضائل می‌افزاید و آن محبت فی‌الله و محبت لله، یا به تعبیر دیگر محبت خیرخواهانه است که از محبت انسان نسبت به خیر محض، یعنی خدای متعال برانگیخته می‌شود.

زارعی (۱۳۹۱) در پژوهش خود، «راهکارهای مؤثر در تربیت اخلاقی کودکان» تأکید می‌کند که والدین در جنبه اخلاقی موظف‌اند تا رفتارها و فضائل نیکو، از جمله درستی، صداقت، وظیفه‌شناسی، حس مسئولیت و غیره را در وجود کودکان ملکه کنند؛ اما اولین گام در راه تربیت اخلاقی فرزندان، تربیت خویشتن است. کسی که خود به صفات اخلاقی نیکو زینده نشده، هیچ‌گاه نمی‌تواند دیگری را به پاکی هدایت کند؛ پس پدر و مادر در اولین گام باید در پی خودسازی خود باشند.

نتایج پژوهش سلحشوری و یوسف‌زاده (۱۳۹۰) که به بررسی «جایگاه عقل و عاطفه در تربیت اخلاقی» پرداخته‌اند، حاکی از آن است که از منظر زمان عواطف، در دوران اولیه کودکی، عواطف زودتر از امور عقلانی و انتزاعی حضور و ظهور پیدا می‌کنند. براین اساس تربیت اخلاقی باید از احساسات شروع شود و بهترین زمان، دوران کودکی است؛ چون دنیای کودکی، دنیایی مملو از عواطف و احساسات است. ازاین‌رو تربیت اخلاقی

صحیح، در گرو اهتمام و توجه به هر دو بُعد عقل و عاطفه با توجه به عنصر زمان است.

نوروزی و عاطفت دوست (۱۳۹۰) در پژوهشی به بررسی «تحلیل تطبیقی دیدگاه خواجه نصیرالدین طوسی و کلبرگ در زمینه تربیت اخلاقی» پرداخته و بیان می‌نمایند که خواجه نصیرالدین طوسی روش‌های تربیت اخلاقی را به روش‌های عام و روش‌های خاص تقسیم می‌کند. روش‌های عام، شامل پرهیز از گوش دادن به داستان‌ها و حرف‌های ناشایست و دوری کردن از شرکت در مراسم لهو و لعب، برقرای اعتدال در دو قوه شهویه و غضبیه، پرهیز از تهییج و تحرک قوه غضبیه و شهویه، انجام دادن کارهای نیک و روش‌های خاص نیز معالجه برخی از گُشنده‌ترین رذائل از جمله حیرت، جهل بسیط، جهل مرکب، بددلی، ترس، افراط در شهوت و ... را شامل می‌شود. اما کلبرگ، بر پایه یافته‌های تحقیق خود، روش سنتی آموزش اخلاق را که مبتنی بر آموزش فضیلت‌های اخلاقی است، ردّ می‌کند و از نظر وی معیاری برای تشخیص صفت‌های خوب و بد وجود ندارد. کلبرگ معتقد است تربیت اخلاقی، نه با آموزش و تمرین آن‌ها، بلکه با منتقل کردن کودکان از مرحله‌های پایین رشد اخلاقی به مرحله‌های بالاتر ممکن است. دست یافتن به این مرحله‌ها از راه بحث و گفت‌وگو درباره مشکلات اخلاقی ممکن می‌شود؛ زیرا کودکان هنگام بحث درباره این مسائل با مشکلات ساختار تفکر اخلاقی خود آشنا می‌شوند و گونه‌ای احساس بی‌تعدلی به آنان دست می‌دهد و آنان را وامی‌دارد که برای دستیابی به تعادل، وارد مراحل بالاتر شوند.

کبیری و معلمی (۱۳۸۸) در پژوهش خود، با عنوان «مبانی و شیوه‌های تربیت اخلاقی در قرآن کریم از دیدگاه علامه طباطبائی رحمته‌الله» اظهار می‌دارند،

علامه مهم‌ترین روش قرآن را «حبّ عبودی» یا محبتی که از عبودیت فرد سرچشمه می‌گیرد، می‌شناسد. ایشان معتقد است کسی که خود را بنده خداوند نداند، هرگز نمی‌تواند به تربیت اخلاقی صحیح و کامل دست یابد. البته این اعتقاد باید در عمل نشان داده شود. عبودیت نیز هرگز به‌طور کامل اجرا نمی‌شود؛ مگر آنکه انگیزه آن، محبت به خداوند باشد؛ یعنی محبت به کمالات او و درک اینکه ولی نعمت و رافع نیازهای انسان، اوست. سایر روش‌های قرآن، نظیر نصیحت و موعظه، الگوسازی با بیان مثال و داستان، وعده بهشت و جهنم، پرسش و پاسخ و امر به معروف و نهی از منکر، همگی حول محور «توحید» بوده و یادآور همین مسئله است.

رجبی (۱۳۸۷) در پژوهشی به بررسی «عوامل مؤثر در تربیت اخلاقی انسان‌ها، به‌ویژه کودکان» می‌پردازد و وراثت و عوامل محیطی (خانواده، دوستان و هم‌نشینان) را از جمله عناصر تأثیرگذار معرفی می‌کند.

روش پژوهش

با توجه به تحلیل نظام‌دار متون دینی در زمینه تربیت اخلاقی و استخراج راهکارها و فنون از آن، از یک طرف و سپس تحلیل کیفی آن‌ها از طرف دیگر، روش پژوهش توصیفی و تحلیلی است. در این راستا قرآن و روایات معصومان (علیهم‌السلام) در این زمینه جامعه پژوهش و آیات و روایات مربوط به تربیت اخلاقی، نمونه پژوهش را تشکیل می‌دهند. برای جمع‌آوری داده‌ها از فرم‌ها و فیش‌های اطلاعاتی استفاده گردید و داده‌ها به‌صورت کیفی تجزیه و تحلیل شدند.

یافته‌های پژوهش

در این قسمت، نتایج سؤال پژوهش (اهل بیت علیهم‌السلام برای تربیت اخلاقی فرزندان چه راهکارهایی را تبیین کرده‌اند؟ و فنون کارآمد تأکیدشده در احادیث رسول اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله و ائمه علیهم‌السلام به والدین برای تربیت اخلاقی فرزندان چیست؟) به تفکیک در چهار دسته کلی به شکل زیر تشریح شده است:

۱. راهکارهای زمینه‌ای

یکی از راهکارهای تربیت اخلاقی، فراهم آوردن زمینه‌ها، موقعیت‌ها و شرایطی است که افراد، به ویژه فرزندان را به امور اخلاقی جذب می‌کند. انسان دارای فطرت اخلاقی است و با گرایش به ارزش‌ها به دنیا می‌آید؛ بنابراین زمینه‌های درونی فراهم است و موقعیت‌ها و شرایط محیطی می‌تواند آن زمینه‌ها را به فعلیت برساند. اگر در جامعه، مدرسه و به خصوص خانواده اصول اخلاقی حاکمیت داشته باشد، ارزش‌خواهی فطری کودکان پرورش می‌یابد و روی آوری آنان به خوبی‌ها شکوفا می‌شود؛ زیرا حقیقت تربیت اخلاقی، فراهم کردن موقعیت‌ها و شرایط محیطی، پرورش دادن و تکامل بخشیدن به همان زمینه‌ها و مقتضیات فطری انسان‌ها است. باید کوشش کرد تا شرایط و موقعیت‌های محیطی و تربیتی، با آن زمینه‌های فطری در تضاد نباشد؛ زیرا انحراف‌های تربیتی و اخلاقی از این عوامل تحمیلی به وجود می‌آید. لزوم بهره‌گیری از راهکار زمینه‌ای، براساس آموزه‌های معصومان علیهم‌السلام شامل تمام مراحل کودکی، به ویژه مراحل اولیه آن است. در زیر به تعدادی از فنون مربوط به این دسته از راهکارها اشاره می‌شود:

۱.۱. فضا سازی انس با خدا

خواندن اذان و اقامه در گوش نوزاد^۱ (مجلسی، ۱۴۰۳: ۱۰۱، ۱۲۳؛ طبرسی، ۱۴۱۲: ۲۲۸)، یادآوری نام و ویژگی‌ها و نعمت‌های پروردگار^۲ (آقا جمال خوانساری، ۱۳۶۶: ۴، ۳۰) و مانند آن، فضایی روانی و خلقی برای انس با خدا در مرتبی فراهم می‌سازد و موجب می‌شود فرد در ارتباط با خدا، خود را با ارزش ببیند و هویت اخلاقی‌اش کشش الهی پیدا کند.

۲.۱. بستر سازی شکل گیری شخصیت

این فن بستری را فراهم می‌کند تا کودک با شنیدن آن، ارزشمندی خود را درک و به مرور توانمندی‌های عاطفی مطلوبش در گرایش به خوبی‌ها به فعلیت برسد. در احادیث بر این بستر سازی با فئونی چون: نام نیک نهادن^۳ (راوندی کاشانی، بی تا: ۶؛ کلینی، ۱۴۰۷: ۶، ۱۸)، احترام گذاشتن^۴ (طبرسی، ۱۴۱۲: ۲۲۲)، سلام کردن^۵ (ابن بابویه، ۱۳۶۲: ۱، ۲۷۱)، نیکو خطاب نمودن^۶

۱- عن أبي رافع: «أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ ﷺ أَذَّنَ فِي أُذُنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ جَبْنَ وَلَدَتْهُ فَاطِمَةُ؛ بِهِ نَقَلَ از ابورافع: پیامبر خدا را دیدم که وقتی فاطمه علیها السلام حسن بن علی را به دنیا آورد، در گوش او اذان خواند.»

۲- امام علی علیها السلام فرمودند: «ذَكَرَ اللَّهُ تَسْتَنَجِحُ بِهِ الْأُمُورَ وَ تَسْتَنِيرُ بِهِ السَّرَائِرَ؛ يَادُ خُدا بر آورده می‌شود به آن کارها، و روشن می‌شود به آن پوشیده‌ها؛ یعنی امور پنهانی یا ضمیرها و قوت‌های مدرکه.»

۳- پیامبر ﷺ می‌فرماید: «إِنَّ أَوَّلَ مَا يَنْحَلُ بِهِ أَحَدُكُمْ وَلَدَهُ الْإِسْمُ الْحَسَنُ فَلْيُحْسِنِ أَحَدُكُمْ إِسْمَهُ وَلَدَهُ؛ نخستین چیزی که هر یک از شما به فرزندش پیشکش می‌کند، نام نیکو است.»

۴- پیامبر ﷺ فرمودند: «كُرِّمُوا أَوْلَادَكُمْ وَ أَحْسِنُوا أَدَبَهُمْ يُغْفَرْ لَكُمْ؛ فرزندان خود را گرامی بدارید و خوب تربیتشان کنید تا گناهان شما آمرزیده شود.»

۵- پیامبر ﷺ فرمودند: «حُمِسَ لَا أَذْعُهُنَّ حَتَّى الْوَمَاتِ... وَ التَّسْلِيمُ عَلَى الصَّبِيَّانِ لِيَكُونَ سَنَةً مِنْ بَعْدِي؛ پنج چیز است که تا موقع مرگم آن‌ها را و انمی‌گذارم تا بعد از من سنت شود... یکی از آن‌ها سلام کردن به کودکان است.»

۶- امام علی علیها السلام فرزندشان را چنین خطاب می‌کنند: «أَيُّ بَنِيَّ إِنِّي وَ إِن لَّمْ أَكُنْ عُزْرَتُ عُزْرَ مَنْ كَانَ قَبْلِي فَقَدْ نَظَرْتُ فِي أَعْمَالِهِمْ...؛ فرزندم! من عمر پیشینیان را یکجا نداشته‌ام؛ ولی در اعمال آن‌ها نظر افکندم و...»

(نهج البلاغه، نامه ۳۱؛ حرانی ابن شعبه، ۱۴۰۴: ۸۸-۸۹)، احوال پرسی، به ویژه عیادت به هنگام بیماری^۱ (محمدرضا بن عبدالحفیظ، ۱۴۱۶: ۲۵۰)، گفتار توأم با صداقت و درستی و وفای به عهد^۲ (نوری، ۱۴۰۸: ۱۵، ۱۷۰؛ ابن بابویه، ۱۳۷۶: ۴۱۹) و محبت‌هایی نظیر درآغوش گرفتن^۳ (مجلسی، ۱۴۰۳: ۳۶، ۲۵۵)، نوازش کردن و بازی کردن^۴ (مجلسی، ۱۴۰۳: ۴۳، ۲۸۵)، بوسیدن^۵ (حرعاملی، ۱۴۰۹: ۲۸، ۳۴۰) و ارتباط کلامی ملایم و دلپذیر با فرزند^۶

۱- بخاری از انس بن مالک نقل می‌کند: نوجوانی یهودی که به پیامبر ﷺ خدمت می‌کرد، مریض شد. پیامبر ﷺ به عیادت او رفت و بر بالین او نشست و...»

۲- پیامبر ﷺ می‌فرماید: «إِذَا وَعَدَ أَحَدُكُمْ صَبِيَّهُ فَلْيُبَيِّضْهُ؛ هَرِيكٌ أَزْ شَمَا، إِنْ كَانَ بَعْدَ عِدَّتِهِ أَنْ يَدَّ بَدَنَ الْوَفَا كُنْدٌ». همچنین امام علی (ع) والدین را از دروغ‌گویی نهی می‌کند: «لَا يَضْلُحُ مِنَ الْكَذِبِ جَدٌّ وَلَا هَزْلٌ وَلَا أَنْ يَعِدَ أَحَدُكُمْ صَبِيَّهُ ثُمَّ لَا يَفِي لَهُ؛ شَائِسَةٌ نِيْسَتْ دَرُوعُ كُفْتَنَ، خَوَاهُ شُوخَى يَا جَدَى وَنِيْزُ شَائِسَتْ نِيْسَتْ يَكِي أَزْ شَمَا بَعْدَ فَرْزَنْدَشْ وَعِدَّاهِ بَدَدَه، سِيْسَ وَفَا نَكُنْد.»

۳- امام باقر (ع) از امام حسین (ع) نقل می‌کند که فرمودند: «دَخَلْتُ أَنَا وَ أَخِي عَلَى جَدِّي رَسُولِ اللَّهِ ص فَأَجْلَسَنِي عَلَى فَخْذِهِ الْأَيْسَرِ وَ أَجْلَسَ أَخِي الْحَسَنَ عَلَى فَخْذِهِ الْأَيْمَنِ ثُمَّ قَبَّلَنَا وَ قَالَ يَا بَنِي أَنثَمَا مِنْ إِمَامَيْنِ سَيِّطَيْنِ؛ مَنْ وَ بَرَادَرْمَ نَزْدَ جَدِّمَ رَسُولَ خُدَايَا ﷺ رَفْتِم. پیامبر ﷺ مرا بر زانوی چپ و برادرم حسن را بر زانوی راست خویش نشانید؛ سپس مرا بوسید و فرمود: پدرم به فدای دو فرزندی باد که امام‌اند.»

۴- جابر بن عبدالله می‌گوید: دَخَلْتُ عَلَى النَّبِيِّ ﷺ وَ الْحَسَنِ وَ الْحُسَيْنِ (ع) عَلَى ظَهْرِهِ وَ هُوَ يَجْتُو لَهْمَا وَ يَقُولُ نَعَمْ الْجَمْلُ جَمَلَكُمَا وَ نَعَمْ الْعَدْلَانِ أَنثَمَا؛ بِرِ بِيَامِرِ ﷺ وَ آوَرْدَ شَدَم. دیدم که حسن و حسین (ع) بر پشت آن حضرت سوارند و پیامبر برای آنان زانو زده و خم شده است و می‌فرماید: چه شتر خوبی دارید و چه بار خوبی هستید شما.»

۵- مفضل می‌گوید: دَخَلْتُ عَلَى أَبِي الْحَسَنِ مُوسَى بْنِ جَعْفَرٍ (ع) وَ عَلِيٍّ ابْنِهِ فِي حَجْرِهِ وَ هُوَ يَقْبَلُهُ وَ يَمُصُّ لِسَانَهُ وَ يَضَعُهُ عَلَى عَاقِبِهِ وَ يَضُمُّهُ إِلَيْهِ وَ يَقُولُ يَا بَنِي أَنْتَ مَا أَطْيَبَ رِيحَكَ وَ أَطْهَرَ خَلْقَكَ وَ أَبْيَنَ فَضْلَكَ؛ بِرِ بِيَامِرِ ﷺ كَاظِمِ ﷺ وَ آوَرْدَ شَدَم. دیدم آن حضرت فرزندش علی بن موسی الرضا را در دامن خود نشاند و او را می‌بوسد و زبانش را می‌مکد و گاه بر شانه‌اش می‌گذارد و گاه او را در آغوش می‌گیرد و می‌گوید: پدرم فدای تو باد! چه بوی خوشی دارد و چه اخلاق پاکیزه‌ای و فضل و دانست چه روشن و آشکار است.» و همچنین پیامبر ﷺ نیز فرموده‌اند: «كَبَلُوا أَوْلَادَكُمْ فَإِنَّ لَكُمْ بِكُلِّ قُبْلَةٍ دَرَجَةً فِي الْجَنَّةِ مَا يَنْبَغُ كُلَّ دَرَجَتَيْنِ خَفْصِمَاةً عَامَ؛ فَرْزَنْدَانِ خُودِ رَا بِيُوسِيْدَ؛ زِيْرَا هِر بُوْسَمَايِ رِيْهِيْهِيْ اسْتِ دِرِ بِيْشْتِ وَ فَاصله دُرِ رِيْهِيْهِيْهِيْ كَرِ يَكْدِيْگَرِ يَانَصْدِ سَالِ اسْت.» (طبرسی، ۱۴۱۲: ۲۲۰)

۶- امام علی (ع) با فرزندشان امام حسن (ع) چنین ابراز محبت می‌کردند: «وَجَدْتُكَ بَعْضِي نَبْلٌ وَ جَدْتُكَ كُلِّي حَتَّى كَأَنَّ سَيْبًا لَوْ أَصَابَكَ أَصَابَنِي وَ كَأَنَّ الْمَوْتَ لَوْ أَتَاكَ أَتَانِي فَعَنَانِي مِنْ أَمْرِكَ مَا يَغْنِيْنِي مِنْ أَمْرِ نَفْسِي فَكَتَبْتُ إِلَيْكَ كِتَابِي هَذَا مُسْتَظْهَرًا بِهِ إِنْ أَنَا بَقِيْتُ لَكَ أَوْ قَبِيْتُ؛ وَ چُونِ تُو رَا جَزِيْیِ از وجود خود، بلکه تمام

(نهج البلاغه، نامه ۳۱)، تأکید شده است. همچنین برای پیشگیری از آسیب‌های روانی و عاطفی، بر فتونی چون: سهل‌گیری^۱ (مجلسی، ۱۴۰۳: ۸۲، ۳۶۴)، نبود تبعیض^۲ (طبرسی، ۱۴۱۲: ۲۲۰)، به‌رُخ نکشیدن مستمر خطا^۳ (ابن شعبه حرانی، ۱۴۰۴: ۸۴)، نبود تحقیر و سرزنش^۴ (کلینی، ۱۴۰۷: ۲، ۳۱۱)، ممنوعیت تنبیه بدنی^۵ (ابن‌فهد حلی، ۱۴۰۷: ۸۹) و بی‌محبتی^۶ (حرعاملی، ۱۴۱۴: ۲۱، ۴۸۵) تأکید شده است.

۳.۱. ایجاد فضای معنوی

در روایات بر فتونی تأکید شده است که فضای روانی، معنوی و ارزشی را در فرایند رشد کودک حاکم ساخته و زمینه‌های تأثیرگذاری عوامل محیطی را

وجود خودم یافتم، گویی که اگر ناراحتی به تو رسد، به من رسیده و اگر مرگ دامنیت را بگیرد، دامن مرا گرفته، به این جهت اهتمام به کار تو را اهتمام به کار خود یافتم. از این رو این نامه را برای تو نوشتم تا تکیه‌گاه تو باشد، خواه من زنده باشم یا نباشم.»

۱- روایت شده در زمان امام‌زین‌العابدین (علیه‌السلام) نمازها در وقت خودش خوانده می‌شد؛ یعنی نماز ظهر در ظهر و نماز عصر در عصر؛ اما امام (علیه‌السلام) به فرزندان خویش می‌فرمودند: «نماز مغرب و عشا را با هم و نماز ظهر و عصر را نیز با هم بخوانید.» وقتی از ایشان پرسیده شد که چرا فرزندان شما نماز را در غیر وقتش می‌خوانند؟ فرمودند: «این کار برای فرزندان بهتر است از اینکه بخوابند و نماز نخوانند.»

۲- رسول اکرم (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) فرمود: «اغْدِلُوا بَيْنَ أَوْلَادِكُمْ كَمَا تُجْبُونَ أَنْ يُغْدِلُوا بَيْنَكُمْ فِي الْبِرِّ وَاللُّطْفِ؛ میان فرزندان خود به عدالت رفتار کنید، همان‌گونه که دوست دارید آنان در نیکی و مهربانی با شما به عدالت رفتار کنند.»

۳- امام‌علی (علیه‌السلام) فرمود: «... وَالْإِفْرَاطُ فِي الْمَلَامَةِ يَشْبُ نِيزَانُ اللَّجَاجَةِ؛ زیاده‌روی در سرزنش و ملامت، آتش لجاجت را برافروزد.»

۴- امام‌صادق (علیه‌السلام) فرمود: «مَنْ حَقَّرَ النَّاسَ وَ تَجَبَّرَ عَلَيْهِمْ فَذَلِكَ الْجَبَّارُ؛ (لەکننده مردم در زیر قدم‌ها) کسی است که مردم را تحقیر کند و به آنان تکبر ورزد و گردن‌فرازی کند. چنین آدمی جبار است.»

۵- امام‌موسی‌کاظم (علیه‌السلام) به یکی از یاران خود که از دست فرزندش به‌ستوه آمده بود و شکایت می‌کرد، فرمودند: «لَا وَاهْجُرْهُ وَلَا تُظْلِ؛ او را زن، بلکه با او قهر کن؛ ولی نه به مدت طولانی.»

۶- پیامبر اکرم (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) فرمود: «مَنْ لَا يُرْحَمُ لَا يُرْحَمُ؛ هرکس رحم نکند به او رحم نشود.»

برای رفتن به راه‌های شیطانی کاهش می‌دهد. (ابن شعبه حرانی، ۱۴۰۴: ۱۳) مثلاً کودکی که در گوشش اذان و اقامه گفته می‌شود، زمینه‌ای برای پرورش استعدادها و بالقوه درونی‌اش فراهم می‌شود و او را تا حدودی از شر شیطان مصون نگه می‌دارد^۱ (ابن شعبه حرانی، ۱۴۰۴: ۱۳) یا نام نیک و احترام به کودک، بستر مناسبی را برای باارزش دیدن خود و دیگران فراهم می‌سازد و به خویش و دیگران احترام می‌گذارد. (حسینی‌زاده، ۱۳۸۶: ۷۱) در روایات تصریح شده است، کسی که نام نیک خود را خوب، زیبا و باعزت می‌داند، روانش شیطانی نمی‌شود^۲ (کلینی، ۱۴۰۷: ۶، ۲۰) و حتی از پدیدآمدن برخی از احساس حقارت‌های متربی که از نام‌های زشت برایش پدیدار می‌شود، پیشگیری می‌شود.^۳ (کلینی، ۱۴۰۷: ۶، ۲۰)

۴.۱. فراهم‌سازی امنیت روانی

امنیت روانی بستری را فراهم می‌سازد که سبب بروز استعدادها و خلاقیت‌های فرزندان، بدون ذره‌ای احساس ترس و نگرانی می‌شود. به علاوه

۱- پیامبر اکرم ﷺ در سفارش به علی علیه السلام می‌فرماید: «يَا عَلِيُّ إِذَا وَلَدَ لَكَ غُلَامٌ أَوْ جَارِيَةً فَأَذِّنْ فِي أُذُنِهِ الْيَمْنَى وَاقُمْ فِي الْبُشْرَى فَإِنَّهُ لَا يَضُرُّهُ الشَّيْطَانُ أَبَدًا» ای علی هرگاه پسری یا دختری برایت به دنیا آمد، در گوش راست او اذان بگو و در گوش چپش اقامه؛ در این صورت شیطان هرگز به او گزند نمی‌رساند.

۲- از جابر نقل شده که: «أَرَادَ أَبُو جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ الزُّكُوبَ إِلَى بَعْضِ شَيْعَتِهِ لِيُعَوِّدَهُ فَقَالَ يَا جَابِرُ الْحَقْنِي فَنَبَعْتُهِ فَلَمَّا انْتَهَى إِلَى بَابِ الدَّارِ خَرَجَ عَلَيْنَا ابْنُ لَهُ صَغِيرٌ فَقَالَ لَهُ أَبُو جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ مَا اشْمُكَ قَالَ مُحَمَّدٌ قَالَ فِيمَا تُكْنِي قَالَ بَعْلِي فَقَالَ لَهُ أَبُو جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ لَقَدْ اخْتَضَرْتُ مِنَ الشَّيْطَانِ اخْتِطَارًا شَدِيدًا» امام باقر علیه السلام می‌خواست یکی از شیعیان را عبادت کند، فرمود: ای جابر تو با من باش. وقتی که حضرت به در آن خانه رسید، کودکی آمد. حضرت از او پرسید: نامت چیست؟ او گفت: محمد. فرمود: کنیه‌ات چیست؟ عرض کرد: علی. حضرت فرمود: از شیطان، بسیار دور شدي.

۳- امام باقر علیه السلام فرمودند: «إِنَّا لَنُكْنِي أَوْلَادَنَا فِي صَغَرِهِمْ مَخَافَةَ النَّبِيِّ أَنْ يُلْحَقَ بِهِمْ» ما برای فرزندانمان در کودکی کنیه قرار می‌دهیم، از ترس آنکه مبادا در بزرگی دچار لقب‌های ناخوشایند شوند.

اعتماد آن‌ها به والدین و محیط افزایش می‌یابد، تاجایی که اراده‌ای قوی و فکری مستقل پیدا می‌کنند. (حسینی‌زاده، ۱۳۸۶: ۹۹) ایجاد امنیت، تنها به معنای فراهم آوردن سرپناهی نیست که فرزندان را از سرما، گرما، دشمن، حیوانات درنده و ... در امان نگه دارد. بیشتر اوقات، دعوا، جروب‌های گفتاری و سوء تفاهم‌های بین والدین از عمده‌ترین عوامل مخل امنیت و آرامش در خانواده‌ها هستند که سبب می‌شوند کودک با جرئت تمام، حرف‌های درونی خود را نزد و آشکار نسازد. برعکس، والدین می‌توانند با پرورش امید به خدا و لطف او، برآورده ساختن خواسته‌های معقول فرزندان و پذیرش حق از آن‌ها، سپاس‌گزاری از خداوند به دلیل نعمت‌هایش، پرداخت صدقه به دیگری با دست فرزندان و بردن نام خداوند در هر کاری، تاحدودی امنیت و آرامش روانی را وارد منازل خویش کنند.

۵.۱. آمادگی عملی

در تمهیدات عملکردی می‌توان به آماده‌سازی مقدمات عبادی مثل نماز و روزه در ماه مبارک رمضان و...^۱ (ابن‌ابی‌الحدید، ۱۴۰۴: ۲۰، ۳۲۹)، استفاده از رنگ‌های شاد^۲ (شعیری، بی‌تا: ۷۱)، نغمه‌های خوش قرآن، اذان^۳ (رشیدرضا،

۱- امام علی (علیه السلام) فرمودند: «من لم يأخذ أهبة الصلاة قبل وقتها فما وقرها؛ کسی که قبل از نماز، خود را برای اقامه نماز آماده نکند، به نماز بی‌احترامی کرده است.»

۲- «... إِنَّهَا بَقَرَةٌ صَفْرَاءُ فَاقِعٌ لَوْنُهَا تَسُرُّ النَّظَّارِينَ»؛ گاوی است زرد پررنگ و یک‌دست که بینندگان را شاد می‌کند» (بقره، ۶۹). پیامبر (صلی الله علیه و آله) می‌فرماید: «مَنْ أَدْخَلَ لَيْلَةً وَاحِدَةً سِرَاجًا فِي الْمَسْجِدِ غَفَرَ اللَّهُ لَهُ ذُنُوبَ سَبْعِينَ سَنَةً وَ كُتِبَ لَهُ عِبَادَةٌ سَنَةً وَ لَهُ عِنْدَ اللَّهِ تَعَالَى مَدِينَةٌ؛ کسی که یک شب چراغی را در مسجد قرار دهد، خداوند گناهان هفتاد سال او را می‌بخشد و برای او عبادت یک سال را می‌نویسد و برای او نزد خداوند شهری است.» (شعیری، بی‌تا: ۷۱)

۳- نویسنده المنار می‌نویسد: جذابیت و کشش اذان به قدری اثربخش است که مسیحیان متعصب، به عمق و عظمت تأثیر آن در روحیه شنوندگان اعتراف می‌کنند ...

بی تا: ۶، ۴۴۵) و ... برای جذب فرزندان و به ویژه نوجوانان به اماکن مذهبی مانند مساجد و حسینیه‌ها برای مراسم جشن یا عزای ائمه علیهم‌السلام اشاره کرد.

۱.۶. تغذیه حلال

اهل بیت علیهم‌السلام همان‌طور که برای رشد روح و روان، برنامه متعالی و جامع ارائه داده‌اند، برای تغذیه جسمانی بشر نیز هرم غذایی خاصی را مطرح کرده‌اند. برای مثال آن بزرگواران تأکید می‌کنند که نوزاد از ابتدای تولد از شیر مادر تغذیه کند؛ زیرا تأثیر بسزایی در بُعد شناختی، جسمانی و دینی او دارد.^۱ (علی بن موسی، امام هشتم علیه‌السلام، ۱۴۰۶: ۲، ۳۴) لذا زنان کم‌عقل، بدزبان، بسیار زشت، حرام‌خوار، شراب‌خوار، دشمن اهل بیت علیهم‌السلام یا کسانی که نقص جسمانی مانند ضعف بینایی دارند، نباید به نوزاد شیر دهند.^۲ (نوری، ۱۴۰۸: ۱۵، ۱۶۲) همچنین والدین در مراحل بعدی رشد فرزندان دقت کنند که غذایی دارای سلامت ظاهری (نداشتن میکروب، ویروس و سایر آلودگی‌ها) و باطنی (لقمه حلال) برای آن‌ها تهیه کنند.^۳ (بقره، ۱۶۸؛ مجلسی، ۱۴۰۳: ۵، ۱۴۷)؛ زیرا حلال، حرام یا شبهه‌ناک بودن غذا و حتی امکاناتی که در اختیار کودکان قرار می‌دهند، در تمایل آن‌ها به رذائل و فضائل اخلاقی مؤثر است.^۴ (حرعاملی، ۱۷، ۸۱-۸۲)

۱- پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم می‌فرماید: «أَيْسَرُ لِلصَّبِيِّ لَبَنٌ حَيْثُ مِنْ لَبَنٍ أُمِّهِ؛ برای کودک، شیری بهتر از شیر مادرش نیست.»

۲- امام صادق علیه‌السلام فرمود: «رَضَاعُ الْيَهُودِيَّةِ وَالنَّصْرَانِيَّةِ أَحَبُّ إِلَيَّ مِنْ إِرْضَاعِ النَّاصِبِيَّةِ فَأَحْذَرُوا النَّصَابَ أَنْ تُطْلَأَ زَوْجُهُمْ وَلَا تُنَاكِحُوهُمْ وَلَا تُؤَاوُوهُمْ؛ برای شیردهی طفل، او را به زن مجوسی ندهید. زنان یهودی و مسیحی نیز زمانی می‌توانند به او شیر دهند که شراب نخورده باشند و مواظب باشید که در زمان شیردهی سراغ شراب نروند.» و نیز پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم فرمودند: «إِيَّاكُمْ أَنْ تَشْتَرَوْعُوا الْحَمَقَاءَ فَإِنَّ اللَّبَنَ يُنْشِئُهُ عَلَيْهِ؛ فرزندان را برای خوردن شیر به زن احمق ندهید که فرزند بر شیر بزرگ می‌شود.»

۳- «يَا أَيُّهَا النَّاسُ كُلُوا مِمَّا فِي الْأَرْضِ خَلَالًا طَيِّبًا»؛ ای مردم از آنچه در زمین است، حلال و پاکیزه بخورید.

۴- امام صادق علیه‌السلام فرمود: «لَوْ أَنَّ أَحَدَكُمْ اكْتَسَبَ الْمَالَ مِنْ جَلِّهِ وَأَنْفَقَهُ فِي حَقِّهِ لَمْ يَنْفَقْ دِرْهَمًا إِلَّا أَخْلَفَ اللَّهُ عَلَيْهِ؛ اگر فردی از شما، مال حلال به دست آورد و به حق اتفاق کند، درهمی اتفاق نکند، مگر اینکه خداوند عوض آن را بدهد.»

۲. راهکارهای معرفتی

راهکارهای معرفتی راهکارهایی است که سبب افزایش شناخت متربی نسبت به اخلاقیات نیکو مانند راستگویی، احترام به بزرگ‌ترها، داشتن آداب اسلامی، آموزش مصادیق رفتارهای اخلاقی (مجلسی، ۱۴۰۳: ۴۳، ۲۸۶) و زنده‌کردن یاد خدا در اذهان^۱ (مفید، ۱۴۱۳: ۳۳۶) می‌شود. (فقیهی، ۱۳۸۴: ۶۶) همچنین آموزش اموری چون: صفات کمالی خداوند^۲ (مفید، ۱۴۱۳: ۳۴۰)، محبت خدا به فرد آراسته به فضائل و محاسن اخلاقی^۳ (نوری، ۱۴۰۸: ۱، ۴۸۸)، آموزش احادیث اهل بیت (علیهم‌السلام) و حکمت‌های مربوط به تربیت اخلاقی^۴ (طوسی، ۱۴۰۷: ۸، ۱۱۱؛ کلینی، ۱۴۰۷: ۶، ۴۷) بستر مناسبی را برای شناخت ارزش‌ها و فنون تربیت اخلاقی فراهم می‌سازد. در ذیل به صورت اجمالی برخی از آن‌ها بررسی می‌شود:

۲.۱. آشنایی با صفات اخلاقی خداوند

با الهام گرفتن از مکتب اهل بیت (علیهم‌السلام) و در نظر داشتن فرصت‌های مناسب، می‌توان فرزندان را با صفات اخلاقی و الهی آشنا ساخت. آگاه‌سازی نسبت به این امور، در خلیقات بزرگسالی متربی، بسیار مؤثر خواهد بود؛ زیرا اگر او

۱- لقمان می‌گوید: «وَ اذْكُرْ اللهَ عَزَّ وَ جَلَّ فِي كُلِّ مَكَانٍ؛ و خداوند بزرگوار را در هر مکانی یاد کن.»

۲- لقمان به فرزندش می‌گوید: «يَا بُنَيَّ إِنَّ كُلَّ يَوْمٍ يَأْتِيكَ يَوْمٌ جَدِيدٌ يَشْهَدُ عَلَيْكَ عِنْدَ رَبِّ كَرِيمٍ؛ ای پسر من هر روز که بر تو می‌رسد، روز نوی است که در پیشگاه پروردگار کریم، ضد تو شهادت خواهد داد.»

۳- پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) فرمودند: «أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ مَنْ عِبَادَهُ الْخِيَاءَ وَ السَّتْرَ فَأَيُّكُمْ اغْتَسَلَ فَلَيَتَوَارَّ مِنَ النَّاسِ فَإِنَّ الْخِيَاءَ زِينَةُ الْإِسْلَامِ؛ ای مردم همانا خداوند بندگان با حیا و پوشش را دوست دارد، پس هر کدام از شما هنگام غسل کردن باید از مردم پنهان باشد؛ زیرا حیا زینت و آراستگی اسلام است.»

۴- امام صادق (علیه‌السلام) فرمودند: «وَالْعَلَامُ يَلْعَبُ سِتْنِينَ وَ يَتَعَلَّمُ فِي الْكِتَابِ سِتْنِينَ وَ يَتَعَلَّمُ الْخَالَ وَ الْخَرَامَ سِتْنِينَ؛ طفل هفت سال بازی کند، هفت سال خواندن و نوشتن بیاموزد، هفت سال حلال و حرام (احکام الهی) را یاد بگیرد.»

بداند رحیم و کریم بودن خداوند به چه معناست و اینکه خداوند مهربان‌تر از هر کس (حتی پدر و مادرش) نسبت به ایشان است، آیا باز هم به کسی جز او پناه خواهد برد؟ قطعاً بعد از تبیین مناسب، قلبش بیدار شده و دیگر اجازه نمی‌دهد که محبت کسی جز خدا در دلش وجود داشته باشد. لقمان حکیم به فرزندش می‌گوید:

«فرزندم در ملکوت آسمان‌ها، زمین و کوه‌ها و سایر آفرینش خداوند بسیار بیندیش؛ زیرا تفکر و تدبر در جهان هستی، بهترین پنددهنده و بیدارکننده قلب توست.» (مفید، ۱۴۱۳: ۳۴۰)

۲.۲. آموزش فضائل اخلاقی

طیف رفتارهای اخلاقی بسیار گسترده است و والدین باید به صورت تدریجی، با حوصله و با شیوه‌های جذاب به فرزندان خویش آموزش دهند. آن‌ها می‌توانند در این راستا از شعر^۱ (مجلسی، ۱۴۰۳: ۴۳، ۲۸۶)، قصه و داستان^۲ (هود، ۱۲۰)، همانندسازی با الگوها از طریق نقل داستان‌های آموزنده و شیرین درباره فضائل اخلاقی، معرفی الگوهای موفق در حیطه اخلاق نیکو^۳ (قلم، ۴) و آموزش آداب اخلاقی اسلامی^۴ (ابن بابویه، ۱۳۶۲: ۱، ۲۲۹) کمک بگیرند.

۱- در روایت آمده است که حضرت زهرا (علیها السلام) فرزندش حسن (علیه السلام) را بالا و پایین می‌انداختند و به حالت شعر می‌فرمودند: أَشْبَهُ أَبَاكَ يَا حَسَنُ وَ اخْلَعْ عَنِ الْحَقِّ الرُّسْنَ؛ حسن جانم شبیه پدرت علی باش و از حق بند بگسل.

وَ اغْبِذْ إِلَيْهَا ذَا مَنِّي وَ لَا تُؤَالِ ذَا الْإِخْنِ؛ عبادت خدای صاحب نعمت کن و با افراد کینه‌توز همراه و دوست مباش.

۲- خداوند تأثیر قصه را بر قلب پیامبر (صلی الله علیه و آله) و سایر مردم چنین ترسیم می‌کند: «وَ كُلًّا نَقُصُّ عَلَيْكَ مِنْ أَنْبَاءِ الرُّسُلِ مَا نُنَبِّئُ بِهِ فُؤَادَكَ وَ جَاءَكَ فِي هَذِهِ الْحَقِّ وَ مُوعِظَةٌ وَ ذِكْرٌ لِلْمُؤْمِنِينَ؛ و هریک از سرگذشت‌های پیامبران [خود] را که بر تو حکایت می‌کنیم، چیزی است که دلت را بدان استوار می‌گردانیم و در این‌ها حقیقت برای تو آمده و برای مؤمنان اندرز و تذکری است.»

۳- «وَ إِنَّكَ لَعَلَى خُلُقٍ عَظِيمٍ؛ و به راستی که تو را خوبی والاست.»

۴- امام علی (علیه السلام) به فرزندش درباره آداب غذاخوردن چنین می‌گوید: «قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ (علیه السلام) لِلْحَسَنِ ابْنِهِ (علیه السلام) يَا بَنِي أَلَا أَعْلَمُكَ أَرْبَعَ خُصَالٍ تَسْتَعْنِي بِهَا عَنِ الطَّبِّ فَقَالَ بَلَى يَا أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ قَالَ لَا تَجْلِسَ عَلَى الطَّعَامِ إِلَّا

۳.۲. آگاه‌سازی نسبت به خواست خدا در انجام دادن اعمال

والدین باید به فرزندان‌شان گوشزد کنند که همیشه به یاد خدا باشند تا از این طریق، حضور خدا را درک کرده و از کارهای بد دوری گزینند. زنده کردن یاد خدا در ذهن فرزندان و آگاه‌سازی آن‌ها از خواسته‌ها و محبت الهی به هنگام آراسته شدن به فضائل^۱ (مجلسی، ۱۴۰۳: ۲۶، ۲۶۱) سبب آگاهی آنان می‌شود، مبنی بر آنکه اگر هم خطایی کرده‌اند، خداوند توبه و استغفار آن‌ها را می‌پذیرد و آنان را به دلیل انجام دادن اعمال صالح و پسندیده، غرق رحمت می‌کند.

۳. راهکارهای انگیزشی

این بخش شامل فنونی می‌شود که رغبت و انگیزه روی آوردی به فضائل اخلاقی را در فرزندان افزایش می‌دهد و از رذائل دور می‌کند. (فقیهی، ۱۳۸۴: ۵۳) مهم‌ترین ابزار برای ایجاد انگیزه و جذب کودکان به ارزش‌های تربیت اخلاقی، آگاهی بخشی از الطاف و محبت‌های الهی، شخصیت دادن و تشویق کردن آن‌ها است. در تعالیم اهل بیت (علیهم‌السلام) این فنون تبیین شده است که در ذیل به بررسی آن‌ها پرداخته می‌شود:

وَأَنْتَ جَائِعٌ وَلَا تَقُمُ عَنِ الطَّعَامِ إِلَّا وَأَنْتَ تُشْتَهِيهِ وَجُودُ الْمُضْغِ إِذَا نَعَسْتَ فَاعْرِضْ نَفْسَكَ عَلَى الْخَلَاءِ فَإِذَا اسْتَعْمَلْتَ هَذَا اسْتَعْيَبْتَ عَنِ الطَّبِّ؛ فرزندم چهار نکته به تو پیاموزم که با رعایت آن‌ها از طیب بی‌نیاز شوی؟ عرض کرد: چرا ای امیرالمؤمنان. حضرت فرمودند: تا گرسنه نشده‌ای، غذا نخور و تا اشتها داری، از غذا دست بکش و غذا را

خوب بجو و قبل از خوابیدن، قضای حاجت کن. اگر این نکات را رعایت کنی، از مراجعه به طیب بی‌نیاز می‌شوی.»

۱- رسول خدا (صلی الله علیه و آله) می‌فرماید: «سَبْعَةٌ يُظِلُّهُمُ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ فِي ظِلِّهِ يَوْمَ لَا ظِلَّ إِلَّا ظِلُّهُ إِمَامٌ عَادِلٌ وَ شَابٌّ نَشَأَ فِي عِبَادَةِ اللَّهِ...؛ خدای عزوجل روزی که سایه‌ای به جز سایه لطفش نیست، هفت صنف را در سایه لطف خود جای دهد که یکی از آن‌ها پیشوای عادل و دیگری جوانی است که در عبادت و پرستش خدای عزوجل به‌بار آمده.»

۳. ۱. توجه دادن کودکان به محبت خدا

کودکان در مراحل ابتدایی رشدشان چندان قدرت تحلیل اطراف خود را ندارند. شاید در اطراف آن‌ها مسائل گوناگونی رخ دهد؛ اما آنان بدون توجه خاص از کنارش می‌گذرند؛ به همین جهت والدین باید گاهی اوقات به تبیین آن‌ها بپردازند و از طریق جملات زیبا و جذاب، آن‌ها را آگاه کنند. تبیین مسائلی مانند محبت خداوند به کودکان^۱ (بحرانی اصفهانی، ۱۴۱۳: ۲۰، ۷۳۸؛ ابن ابی جمهور، ۱۴۰۵: ۱، ۲۷۰؛ بروجردی، ۱۳۸۶: ۲۶، ۶۲۲)، برشمردن نعمت‌های اعطایی پروردگار^۲ (مفید، ۱۴۱۳: ۳۳۳) و حتی شرکت دادن آنان در مراسم دعا، جلسات علمی و دینی^۳ (کلینی، ۱۴۰۷: ۲، ۴۸۷؛ نوری، ۱۴۰۸: ۶، ۴۵۵) می‌تواند در رشد متعالی آن‌ها مؤثر باشد.

۳. ۲. واکنش رضایتی نسبت به انجام رفتارها

نقش تشویق و واکنش‌های رضایتی، هنگام انجام فضائل، در تربیت اخلاقی بسیار مؤثر است؛ زیرا اگر شرایط، حدود و مسائل مربوط به آن رعایت شود،

۱- پیامبر ﷺ فرموده‌اند: «الولد کبد المؤمن إن مات قبله صار شفیعا له وإن مات بعده یستغفر له فیغفر الله له؛ فرزند جگرگوشه مؤمن است. اگر پیش از پدر بمیرد، برایش شفاعت می‌کند و اگر بعد از پدر بمیرد، برایش استغفار می‌کند و خداوند در اثر طلب مغفرت فرزند، پدر را می‌بخشد.»

۲- لقمان به فرزندش می‌گوید: «یا بُنِیَّ مَنْ ذَا الَّذِیْ عَبدَ اللهَ فَحَذَلْهُ وَ مَنْ ذَا الَّذِیْ اِبتَغاهُ فَلَمْ یَجِدْهُ یَا بُنِیَّ وَ مَنْ ذَا الَّذِیْ ذَکَرَهُ فَلَمْ یَذْکُرْهُ وَ مَنْ ذَا الَّذِیْ تَوَكَّلَ عَلَیْ اللهِ فَوَکَّلَهُ اِلَیْ غَیْرِهِ وَ مَنْ ذَا الَّذِیْ تَضَرَّعَ اِلَیْهِ جَلَّ ذَکْرُهُ فَلَمْ یُخَفِّمْهُ؛ ای پسر من کیست که خدا را یاد کرده باشد، ولی خدا او را یاد نکرده باشد؟ کیست که به خدا توکل کرده باشد، ولی خدا او را به دیگری وا گذاشته باشد؟ و کیست که به سوی خدای گرامی یاد، تضرع و زاری کرده باشد، ولی خدا به او رحم نکرده باشد؟»

۳- امام صادق (ع) می‌فرماید: «کانَ اَبِیَّ ع إِذَا حَزَنَهُ اَمْرٌ جَمَعَ النِّسَاءَ وَ الصِّبْیَانَ ثُمَّ دَعَا وَ اَتَقْنُوا؛ پدرم سیره‌اش این بود که هرگاه پدیده‌ای ناگوار رخ می‌نمود که حضرت را غم و اندوه فرا می‌گرفت، زن‌ها و کودکان خویش را جمع و سپس به پیشگاه خدا دعا می‌کرد و آنان آمین می‌گفتند.»

نتایج سازنده و پُرفایده‌ای در تربیت به‌جای می‌گذارد. مواردی همچون تمجید و اهدای هدایا برای نیکوتران‌جاء دادن رفتارهای پسندیده^۱ (صاد، ۴۴؛ مجلسی، ۱۴۰۳: ۴۶، ۶۷)، ابراز نشاط روحی و شادمانی هنگام اجرای اعمال صالح^۲ (کلینی، ۱۴۰۷: ۶، ۲۹۹؛ ابن‌بابویه، ۱۳۶۲، ۲، ۳۹۱) و مشورت با فرزندان در انجام کارها و امور خانواده^۳ (حرعاملی، ۱۴۰۹: ۲۱، ۴۷۶) از مهم‌ترین فنون ارزشی هستند که سبب ایجاد انگیزه و جذب به‌خوبی‌ها و فضائل می‌شوند.

۳.۳. توجه به پیامدهای رفتارها

آدمی همواره تشنه محبت و توجه اطرافیان است، تاجایی‌که گاهی نزد دیگران رو به خودنمایی می‌آورد (این عمل بیشتر در بین جوانان شایع است)؛ بنابراین اگر پاداش اعمال نیک برای فرزندان تشریح شود، پیامدهای هرکدام از رفتارهای اخلاقی مطرح شود و بدانند که خداوند در ازای هرکدام از اعمال پسندیده، علاوه بر توجه خاص و دوست‌داشتن، پاداش زیادی نیز برایشان در

۱- خداوند در قرآن کریم این‌گونه به تعریف و تمجید حضرت ایوب علیه‌السلام می‌پردازد: «إِنَّا وَجَدْنَاهُ صَابِرًا نَعْمَ الْعَبْدُ إِنَّهُ أَوَّابٌ مَا أَوْ رَا شَكِيًّا يَاقَتِمْ. جِه نِيكُونِدِه‌ای، به‌راستی او توبه‌کار بود.»؛ همچنین امام باقر علیه‌السلام می‌فرماید: «پدرم فرمودند: «مَرَضْتُ مَرَضًا شَدِيدًا فَقَالَ لِي أَبِي علیه‌السلام مَا تُشْتَهِي فَقُلْتُ أُشْتَهِي أَنْ أَكُونَ مِمَّنْ - لَا أَقْرَحُ عَلَى اللَّهِ رَبِّي مَا يُدْبِرُهُ لِي فَقَالَ لِي أَحْسَنْتَ ضَاهِيَّتَ إِبْرَاهِيمَ الْخَلِيلِ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ؛ من به‌سختی مریض شدم، پدرم امام حسین علیه‌السلام فرمود: چه میل داری؟ گفتم میل دارم از کسانی باشم که در آنچه خدا برای من تدبیر می‌کند، پیشنهاد و خواستی نداشته باشم. پدرم فرمود: آفرین، شبیه ابراهیم خلیل شدی.»

۲- رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم فرمودند: «أَطْرَفُوا أَهَالِيَكُمْ فِي كُلِّ جُمُعَةٍ بَشِيءٍ مِّنَ الْفَاكِهِةِ أَوْ اللَّحْمِ حَتَّى يَفْرَحُوا بِالْجُمُعَةِ؛ برای اهل و عیال خود در هرروز جمعه، مقداری میوه تازه بخريد تا از جمعه خشنود شوند.»

۳- پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم فرمودند: «الْوَلَدُ سَيِّدٌ سَبْعَ سِنِينَ وَ عَبْدٌ سَبْعَ سِنِينَ وَ وَزِيرٌ سَبْعَ سِنِينَ؛ فرزند هفت سال سرور، هفت سال فرمان‌بردار و هفت سال وزیر است.»

نظر دارد، مسلماً مشتاق می‌شوند که هرچه بهتر و بیشتر، آن‌ها را انجام دهند و حتی برخی را جزء برنامه‌های همیشگی خود قرار می‌دهند. مثلاً اگر فرزندان بدانند که هنگام احترام به والدین، لطف و رحمت خداوند شامل آن‌ها می‌شود^۱ (مجلسی، ۱۴۰۳: ۱۰۰، ۲۲۱) قطعاً به این عمل اخلاقی توجه خاصی خواهند کرد و همین‌طور است رعایت حقوق دیگران^۲ (ابن شعبه حرانی، ۱۴۰۴: ۳۶۰)، حفظ حجاب و عفت^۳ (کلینی، ۱۴۰۷: ۲، ۷۹) و

۴. راهکارهای هدایتی

راهکارهای هدایتی ففونی هستند که با استفاده از آن‌ها می‌توان گرایش متربی را به کارهای نیک و به‌خصوص تربیت اخلاقی تقویت کرد. این فنون بر مبنای برنامه‌ریزی هدفمند و با بهره‌گیری از آموزه‌های اهل بیت (علیهم السلام) صورت می‌گیرد. (فقیهی، ۱۳۸۴: ۷۲) نمونه‌هایی از آن‌ها عبارت‌اند از:

۴.۱. راهنمایی در انجام دادن کارهای نیک

والدین می‌توانند با در نظر گرفتن این فن کارآمد، ترغیب فرزندان‌شان را برانگیزانند و آن‌ها را به تدریج با مصادیق امور اخلاقی و چگونگی انجام دادن کارهای نیک آشنا سازند. مثلاً در ترغیب کودکان برای مسواک زدن، ابتدا باید مسواک و خمیردندانی به دلخواه آنان تدارک ببینند، سپس وقتی خودشان

۱- پیامبر (صلی الله علیه و آله) فرمودند: «يُفْتَحُ أَبْوَابُ السَّمَاءِ بِالرَّحْمَةِ فِي أَرْبَعِ مَوَاضِعَ ... وَ عِنْدَ نَظَرِ الْوَلَدِ فِي وَجْهِ الْوَالِدَيْنِ؛ درهای رحمت آسمان در چهار وقت گشوده می‌شود که یکی از آن‌ها زمانی است که فرزند به چهره پدر و مادرش می‌نگرد.»

۲- امام صادق (علیه السلام) می‌فرماید: «تَوَكَّلْ الْحَقُّوقَ مَذَلَّةً وَ إِنَّ الرَّجُلَ يَخْتِاجُ إِلَى أَنْ يَتَقَرَّضَ فِيهَا لِلْكَذِبِ؛ ندادن حقوق (دیگران) ذلت می‌آورد و انسان در این‌باره مجبور به دروغ گفتن می‌شود.»

۳- امام علی (علیه السلام) فرمودند: «أَفْضَلُ الْعِبَادَةِ الْعَفَافُ؛ برترین عبادت، پاکدامنی است.»

می‌خواهند مساواک بزنند، آن‌ها را نیز مهربانانه برای انجام دادن این عمل فراخوانند. همچنین برای انجام هرچه بهتر وظایف اخلاقی، می‌بایست برنامه‌ریزی کرد؛ زیرا هنگامی که کودک، شتاب‌زده و بدون رعایت اصول و قواعد، ترغیب به انجام کاری شود، خستگی و بی‌میلی حاصل شده و در نتیجه از آن دست می‌کشد؛ بنابراین برنامه‌ریزی مشخص، انسان را در رسیدن به اهداف از پیش تعیین شده، در تربیت اخلاقی، یاری می‌کند.

۲.۴. دعوت به اجرای امور اخلاقی

اهل بیت علیهم‌السلام نه تنها خویشان را به اجرای امور اخلاقی وامی‌داشتند، بلکه دیگران را نیز به سمت آن‌ها سوق می‌دادند. ایشان گاهی اوقات هنگام انجام دادن کارهای پسندیده، درس‌های بزرگ اخلاقی را آموزش می‌دادند^۱ (ابن‌ابی‌الحدید، ۱۴۰۴: ۱۱، ۱۹۸) یا اینکه برخی از کارهای نیک را یادآوری می‌کردند^۲ (کلینی، ۱۴۰۷: ۲، ۸۷)؛ اما در عین حال از مرونی مستقیم پرهیز می‌کردند^۳ (مجلسی، ۱۴۰۳: ۲، ۲۷۳)؛ زیرا انسان به طبع استقلال طلب است و از مرونی مستقیم چندان لذت نمی‌برد.

۱- «مر الحسن بن علی علیه‌السلام بصیبان یلعبون و بین أیدیهم کسر خبز یا کلونها فدعوه فنزل و أکل معهم ثم حملهم إلى منزله فأطعمهم و کساهم و قال الفضل لهم لأنهم لم یجدوا غیر ما أطمعوني و نحن نجد أكثر مما أطمعناهم؛ امام حسن علیه‌السلام از کنار کودکانی می‌گذشت که بازی می‌کردند و در حال خوردن تکه‌نانی بودند که در دست داشتند. کودکان امام را نیز دعوت کردند که با آن‌ها نان بخورد. سپس امام با آن‌ها نان خورد و آن‌ها را به منزل خود برد و به آن‌ها غذا داد و جامه پوشانید و فرمود: فضیلت برای آن‌هاست؛ زیرا آن‌ها بیش از آنچه به من دادند، نیافتند؛ ولی ما بیش از آنچه به آن‌ها اطعام کردیم، می‌یابیم.»

۲- امام صادق علیه‌السلام می‌فرماید: «اجتهدت فی العبادة و أنا شاب فقال لی ابي ع یا بنی دون ما أراک تصنع فإن الله عز و جل إذا أحب عبدا رضى عنه بالیسیر.»

۳- حریر می‌گوید: «كانت إسماعیل بن ابي عبد الله دنایز و أراد رجل من قریش أن یخرج إلى الیمن فقال إسماعیل یا ائبت إن فلانا یرید الخروج إلى الیمن و عندي کذا و کذا دینارا أفتزی أن أدفعها إلیه ینتاع لی بها بضاعة من الیمن فقال أبو عبد الله علیه‌السلام یا بنی أ ما یلک أنه یشرب الخمر فقال هكذا یقول الناس فقال یا بنی إن الله عز و جل یقول فی کتابه یؤمن بالله و

۳.۴. نظارت و کنترل رفتارها

ائمۀ عليه السلام همواره بر اعمال فرزندان خویش نظارت می‌کردند و کیفیت خوب یا بد بودن آن را به آن‌ها گوشزد می‌نمودند^۱ (نوری، ۱۴۰۸: ۳، ۳۰۹) و در این جهت حتی از افرادی که به دوستی می‌گرفتند یا با کسانی که رفت‌وآمد می‌کردند نیز غافل نبودند^۲ (ابن شعبه حرانی، ۱۴۰۴: ۲۳۳؛ احمدی میانجی، ۱۴۲۶: ۳، ۲۲۱)؛ زیرا به‌خوبی می‌دانستند که اگر بر رفتارهای فرزندان خویش نظارت و کنترل مناسب نداشته باشند و مسیر مستقیم را به آن‌ها نشان ندهند، هر لحظه امکان انحراف و گمراهی، دور ماندن از آرمان‌های الهی و در نهایت سقوط در چنگال‌های شیطان وجود دارد.

يُؤْمِنُ الْمُؤْمِنِينَ يَقُولُ يُصَدِّقُ اللَّهُ وَ يُصَدِّقُ لِلْمُؤْمِنِينَ فَإِذَا شَهِدَ عِنْدَكَ الْمُؤْمِنُونَ فَصَدِّقْهُمْ؛ اسماعیل فرزند ابوعبدالله (امام صادق عليه السلام) چند دیناری داشت و مردی از قریش می‌خواست به یمن سفر کند. اسماعیل گفت: ای پدر فلانی می‌خواهد به یمن برود و من نیز چند دیناری دارم. آیا به او بدهم تا کالایی را که از یمن آورده، به من بفروشد؟ امام صادق عليه السلام فرمود: ای پسر من آیا به گوشت نرسیده که وی شراب‌خوار است؟ اسماعیل گفت: مردم این چنین می‌گویند. سپس امام فرمود: پسر من همانا خداوند در کتابش می‌فرماید: هرگاه مؤمنان نزد تو شهادت دادند، آن‌ها را تصدیق کن.^۱

۱- روایت شده: «خَرَجَ ابْنُ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ عليه السلام فِي الرَّحْبَةِ وَ عَلَيْهِ قَمِيصٌ خَرٌّ وَ طَوَّقٌ مِنْ ذَهَبٍ فَقَالَ عليه السلام ابْنِي هَذَا قَالُوا نَعَمْ قَالَ فَدَعَا فَشَقَّهُ عَلَيْهِ وَ أَخَذَ الطَّوَّقَ مِنْهُ فَجَعَلَهُ قِطْعًا قِطْعًا؛ یکی از پسران امام حسن عليه السلام از خانه خارج شد، درحالی‌که لباسی از خز بر تن و گردنبندی از طلا بر گردن داشت. امام او را دید و با تعجب فرمود: این فرزند من است؟ عرض کردند: آری. امام او را صدا زد. ایشان لباس او را پاره و گردنبند را قطعه‌قطعه کرد.»

۲- امام حسن عليه السلام نیز به یکی از فرزندان‌شان فرمودند: «يَا بَنِي لَا تُؤَاخِ أَحَدًا حَتَّى تَعْرِفَ مَوَارِدَهُ وَ مَصَادِرَهُ فَإِذَا اسْتَبْطِطْتَ الْخَبْرَةَ وَ رَضِيتَ الْعِشْرَةَ فَأَخِجْ عَلَى إِقَالَةِ الْعِثْرَةِ وَ الْمَوَاسَةِ فِي الْعِشْرَةِ؛ ای پسر من با هیچ‌کس دوستی و برادری مکن، مگر اینکه قبلیش بدانی کجاها رفت‌وآمد دارد و چون از حالش خوب آگاه شدی و معاشرت‌ش را پسندیدی، با او برادری کن، به شرط اینکه معاشرت و دوستی تو، براساس چشم‌پوشی از خطاهای او و همراهی در سختی باشد.» و امام سجاده عليه السلام می‌فرمایند: «جَالِسُوا أَهْلَ الدِّينِ وَ الْمَعْرِفَةِ، فَإِنْ لَمْ تَقْدِرُوا عَلَيْهِمْ فَالْوَحْدَةَ أَنْتُمْ وَأَسْلَمُ، فَإِنْ أَبَيْتُمْ إِلَّا مُجَالَسَةَ النَّاسِ، فَجَالِسُوا أَهْلَ الْفُرُوقِ فَإِنَّهُمْ لَا يَرْتَفُونَ فِي مُجَالَسِهِمْ؛ با انسان‌های دین‌دار و آگاه مجالست کنید. اگر این گونه افراد را پیدا نکردید، تنهایی بهتر و مطمئن‌تر است.»

نتیجه گیری

باتوجه به مطالعات انجام شده، از آموزه های اهل بیت علیهم السلام به دست می آید که تربیت اخلاقی، به معنی زمینه سازی و به کارگیری شیوه هایی برای شکوفایی و ایجاد فضائل یا از بین بردن رذائل در هر زمینه ای است. محققان در پژوهش حاضر راهکارهای تربیت اخلاقی مدنظر اهل بیت علیهم السلام را در چهار نوع دسته بندی کرده اند که عبارت اند از: ۱. راهکارهای زمینه ای که خود دارای ففونی مانند فضا سازی انس با خدا، بستر سازی شکل گیری شخصیت، ایجاد محیط معنوی، فراهم سازی امنیت روانی، تمهیدات عملکردی و تغذیه حلال است؛ ۲. در راهکارهای معرفتی آموزش های خاصی به متربی داده می شود تا به راحتی بتواند صفات اخلاقی خداوند، مصادیق اخلاق و آداب دینی و خواست خدا را در انجام دادن اعمال اخلاقی و پرهیز از غیر آنها بشناسد؛ ۳. راهکارهای انگیزشی که در این زمینه نکاتی چون توجه دادن کودکان به محبت خدا، واکنش رضایتی نسبت به انجام دادن رفتار اخلاقی و توجه به پیامدهای رفتارهای اخلاقی مطرح می شود؛ ۴. راهکارهای هدایتی که در این حیطه با هدفمندی و بهره گیری از آموزه های اهل بیت علیهم السلام، راهنمایی برای چگونگی انجام کارهای نیک، دعوت و سوق دادن به اجرای امور اخلاقی و نظارت و کنترل رفتارها بحث شده است.

جدول ۱: راهکارها و فنون تربیت اخلاقی براساس آموزه‌های اهل بیت (علیهم السلام)

راهکارها	فنون تربیتی
۱. زمینه‌ای	فضاسازی انس با خدا
	بسترسازی شکل‌گیری شخصیت
	ایجاد محیط معنوی
	فراهم‌سازی امنیت روانی
	آمادگی عملی
	تغذیه حلال
۲. معرفتی	آشنایی با صفات اخلاقی خداوند
	آموزش فضائل اخلاقی
	آگاه‌سازی نسبت به خواست خدا در انجام‌دادن اعمال
۳. انگیزشی	توجه‌دادن کودکان به محبت خدا
	واکنش رضایتی نسبت به انجام‌دادن رفتارها
	توجه به پیامدهای رفتارها
۴. هدایتی	راهنمایی انجام‌دادن کارهای نیک
	دعوت به اجرای امور اخلاقی
	نظارت و کنترل رفتارها

یافته‌های مذکور در بخش راهکارهای زمینه‌ای با نتایج پژوهش‌های زارعی (۱۳۹۱) و رجبی (۱۳۸۷) همسو است؛ چراکه آنان نیز به نقش بااهمیت عوامل وراثتی و محیطی و همچنین خودسازی و خودتربیتی والدین که خود مصداق بارز زمینه‌سازی در تربیت اخلاقی کودکان است، اشاره کرده بودند.

راهکارهای تبیین‌شده در بخش دوم نیز با نتایج تحقیقات نوروزی و عاطفت‌دوست (۱۳۹۰) و کبیری و معلمی (۱۳۸۸) در جهت مطالعاتی واحدی قرار دارند، به این دلیل که پژوهشگران مذکور به صورت مکرر از فنون تربیتی

مرتبط با این راهکارها (معرفی فضائل اخلاقی و روش‌های مبتنی بر صفات توحیدی خداوند) یاد کرده و استفاده از آن‌ها را توصیه کرده‌اند.

فنون تربیتی اشاره شده در بخش سوم، یعنی راهکارهای انگیزشی با نتایج پژوهش‌های پورآذر (۱۳۹۳) و سلحشوری، یوسف‌زاده (۱۳۹۰) همسو است؛ چراکه آنان نیز از عواملی چون احساسات، عواطف و محبت به مثابه مهم‌ترین عناصر آموزش تربیت اخلاقی یاد کرده‌اند.

یافته‌های بخش چهارم نیز با نتایج بررسی‌های زارعی (۱۳۹۱) و نوروزی و عاطفت‌دوست (۱۳۹۰) و کبیری و معلمی (۱۳۸۸) همسو است. زارعی در پژوهش خود، از تربیت خویشتن به عنوان یکی از فنونی یاد می‌کند که با آن می‌توان کودکان را به اجرای امور اخلاقی دعوت کرد. نوروزی و عاطفت‌دوست ضمن دعوت به آموزش انجام‌دادن کارهای نیک، به فنون نظارتی مؤثر بر تربیت اخلاقی (پرهیز از گوش‌دادن به داستان‌ها و حرف‌های ناشایست و دوری کردن از شرکت در مراسم لهو و لعب) اشاره می‌کنند. همچنین کبیری و معلمی از نصیحت کردن کودکان برای راهنمایی آنان به سوی انجام‌دادن کارهای نیک سخن گفته و امر به معروف و نهی از منکر را راهبردی نظارتی معرفی کرده‌اند.

در نهایت چنین می‌توان عنوان کرد که پرداختن به راهکارهای تبیین شده به صورت پیوسته و زنجیری شکل، می‌تواند در شخصیت فرزندان مؤثر افتد و پیامدهای مثبتی را در بُعد اخلاقی و معنوی برای آنان پدید آورد.

منابع

✽ قرآن کریم.

✽ نهج البلاغه.

۱. ابن ابی الحديد، عبد الحمید بن هبه الله، ۱۴۰۴ق، شرح نهج البلاغه لابن ابی الحديد، قم: مكتبة آية الله المرعشي النجفي.
۲. ابن أبي جمهور، محمد بن زين الدين، ۱۴۰۵ق، عوالي اللئالي العزيزية في الأحاديث الدينية، قم: دار سيد الشهداء للنشر.
۳. ابن بابويه، محمد بن علي، ۱۳۶۲، الخصال، قم: جامعه مدرسين.
۴. _____، ۱۳۷۶، مالی، تهران: کتابچی.
۵. ابن شعبه حرانی، حسن بن علی، ۱۴۰۴ق، تحف العقول، قم: جامعه مدرسين.
۶. ابن فهد حلی، احمد بن محمد، ۱۴۰۷ق، التحصين في صفات العارفين، قم: مدرسه امام مهدي (عج).
۷. احمدی میانجی، علی، ۱۴۲۶ق، مکاتیب الائمة عليهم السلام، قم: دار الحديث.
۸. آقا جمال خوانساری، محمد بن حسین، ۱۳۶۶، شرحی بر غرر الحکم و درر الکلم، تهران: دانشگاه تهران.
۹. بحرانی اصفهانی، عبدالله بن نورالله، ۱۴۱۳ق، عوالم العلوم و المعارف و الأحوال من الآيات و الأخبار و الأقوال (مستدرک سيدة النساء إلى الإمام الجواد)، قم: مؤسسة امام المهدي (عج).
۱۰. بروجردي، آقا حسین، ۱۳۸۶، جامع احادیث الشیعه، تهران: فرهنگ سبز.
۱۱. پورآذر، حسن، ۱۳۹۳، «محبت ورزي در همزیستی اخلاقی از منظر قرآن»، دوفصلنامه / اخلاق و حیانی، سال دوم، ش ۶، ص ۲۴ - ۵.

۱۲. حرعاملی، محمد بن حسن، ۱۴۰۹ق، وسایل الشیعه، قم: مؤسسه آل‌البیت علیهم‌السلام.

۱۳. حسینی‌زاده، علی، ۱۳۸۶، سیره تربیتی پیامبر ﷺ و اهل بیت علیهم‌السلام: تربیت فرزند، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.

۱۴. داودی، محمد، ۱۳۸۵، «رویکردها و پرسش‌های بنیادین در تربیت اخلاقی»، فصلنامه /نجمن معارف /اسلامی /ایران، سال دوم، ش ۲، ص ۱۵۳-۱۵۷.

۱۵. راوندی‌کاشانی، فضل‌الله بن علی، بی‌تا، /النوادر، قم: دارالکتاب.

۱۶. رجبی، فاطمه، ۱۳۸۷، «عوامل مؤثر در تربیت اخلاقی انسان‌ها، به‌ویژه کودکان»، ماهنامه طوبی، سال سوم، ش ۲۷، ص ۱۱۴-۱۱۳.

۱۷. رشیدرضا، محمد، بی‌تا، تفسیر المنار، بیروت: دار الفکر.

۱۸. رضادادنام، فاطمه، ۱۳۹۰، مبانی و راهکارهای تربیت اخلاقی در قرآن کریم، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشکده الهیات دانشگاه فردوسی.

۱۹. رهنما، اکبر، ۱۳۸۴، بررسی ویژگی‌های انسان مطلوب در آموزش و پرورش جمهوری اسلامی ایران، تهران: مؤسسه پژوهشی برنامه‌ریزی درسی و نوآوری‌های آموزشی.

۲۰. _____، ۱۳۸۶، نقد تطبیقی تربیت اخلاقی از دیدگاه کانت و خواجه‌نصیرالدین طوسی، تهران: آییژ.

۲۱. زارعی، مهری، ۱۳۹۱، راهکارهای مؤثر در تربیت اخلاقی کودکان، پایان‌نامه سطح دو، اصفهان: حوزه علمیه الزهراء المرضیه علیهم‌السلام.

۲۲. سادات، محمدعلی، ۱۳۸۴، اخلاق اسلامی، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.

۲۳. سلحشوری، احمد؛ یوسف‌زاده، محمدرضا، ۱۳۹۰، «جایگاه عقل و عاطفه در تربیت اخلاقی»، دوفصلنامه تربیت/سلامی، سال ششم، ش ۱۲، ص ۱۳۹-۱۲۱.

۲۴. شعیری، محمدبن محمد، بی‌تا، جامع‌الآخبار (لشعیری)، نجف: مطبعة حیدریة.

۲۵. طبرسی، حسن بن فضل، ۱۴۱۲ق، مکارم/الاخلاق، قم: شریف‌رضی.

۲۶. طوسی، محمدبن الحسن، ۱۴۰۷ق، تهذیب‌الحکام، تهران: دار الکتب الاسلامیه.

۲۷. علی بن موسی، امام هشتم علیه السلام، ۱۴۰۶ق، صحیفه الامام الرضا علیه السلام، مشهد: کنگره جهانی امام رضا علیه السلام.

۲۸. فقیهی، علی نقی، ۱۳۸۴، شیوه‌های ترغیب و جذب به نماز، تهران: مهر تابان.

۲۹. کبیری، زینب؛ معلمی، حسن، ۱۳۸۸، «مبانی و شیوه‌های تربیت اخلاقی در قرآن کریم از دیدگاه علامه طباطبایی»، دوفصلنامه معرفت/اخلاقی، سال اول، ش ۱، ص ۹۰-۶۷.

۳۰. کلینی، محمدبن یعقوب، ۱۴۰۷ق، کافی، تهران: دار الکتب الاسلامیه.

۳۱. مجلسی، محمدباقر، ۱۴۰۳ق، بحار/الانوار، بیروت: دار احیاء التراث العربی.

۳۲. محمد نورابن عبدالحفیظ، ۱۴۱۶ق، منهج التریبه النبویه للطفل، بیروت: دار ابن کثیر.

۳۳. مفید، محمدبن محمد، ۱۴۱۳ق، اختصاص، قم: المؤتمر العالمی لالفیه الشیخ المفید.

۳۴. نوری، حسین بن محمد تقی، ۱۴۰۸ق، مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، قم: مؤسسة آل البيت علیہ السلام.
۳۵. نوروزی، رضا علی؛ عاطفت دوست، حسین، ۱۳۹۰، «تربیت اخلاقی: بررسی تطبیقی دیدگاه خواجه نصیرالدین طوسی و کلبرگ»، دوفصلنامه معرفت اخلاقی، سال دوم، ش ۲.